

## حق به ظاهر تلخ است و به نتیجه شیرین



اهل معرفت به سخنی ماه رمضان را جدای از ماه قرآن دانستن، ماه حضرت امیر(ع) نیز می‌دانند چرا که اهل بیت در لسان معصوم همان قرآن ناطق هستند؛ بیانی زنده در میانه مردمان برای تشریح سخن خداوند...

اهل معرفت به سخنی ماه رمضان را جدای از ماه قرآن دانستن، ماه حضرت امیر(ع) نیز می‌دانند چرا که اهل بیت در لسان معصوم همان قرآن ناطق هستند؛ بیانی زنده در میانه مردمان برای تشریح سخن خداوند. پس همان‌گونه که از طرف پیامبر رحمت(ص) نیز خطاب به مؤمنان در تمسک به ثقلین قرآن و عترت سفارش شده است در این بهار قرآن نیز نباید از قرآن ناطق دور افتاد.

به همین سبب در این روزهای مبارک بر آن شدیم هر از چندی برای نیوشا شدن از چشمه سار حکمت و معرفت علوی دست نیاز به غنای نهج‌البلاغه بریم تا بلکه گوارایی کلام مولا عطش روح مان را التیامی باشد. در این نوشتار دو فراز از صحبت حضرت درباره حق و عدالت و عزت ملت را از ترجمه استاد فقیه جواد فاضل اختیار کرده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد.

به خدای توانا سوگند، چنان نقشه حدود و حقوق را با هندسه عدل و داد ترسیم کنم که پیشیزی از دارایی بینوایان برگردن اشراف امیه، یعنی همان کسانی که با شمشیر ستم و جور خود به جان مردم افتاده و سرانجام پیشوای خود را هم فدای تبهکاری و اشتباهات خود کرده بودند، باقی نماند. بازهم به هرچه مقدس است سوگند، پول‌هایی که از ثروت دیگران، به کابین رفته و قباله‌های املاک بدان وسیله تنظیم شده است، به دست عدالت ما بازگرفته خواهد شد و آن اسناد و مدارک را که به امضای ظلم، ننگین است، هیچ رسمیت نخواهیم شناخت. با عدل چگونه‌اید شما ای کسانی که از دست عدالت به فریاد می‌آیید؟ حتما از ظلم بیشتر رنج خواهید شد.

اگر شربت گوارای عدل و داد با آن همه حلاوت به مذاق شما ناگوار و زنده آید، زهر نامطبوع و تلخ ستم هزار مرتبه ناگوارتر خواهد بود. پس ای بندگان خدای، از پروردگار خود بترسید و همواره پاکدامن و پرهیزکار باشید؛ نه گمان کنید که تنها با انتقام طبیعت در دنیا حساب ستمکاران پاک است بلکه در روز رستاخیز، محکمه عدل الهی به دقت حقوق بینوایان را رسیدگی خواهد کرد و از پرکاهی ناچیز، آن دادگاه با احتیاط و دقیق، صرف‌نظر نخواهد کرد. آنهایی که بندگان خدای را نبخشیده‌اند چگونه از پروردگار امید بخشش و گذشت خواهند داشت؟

آنهایی که آتش ستم در خرمن هستی رنجبران افروخته‌اند، چگونه از آتش دوزخ بر کنار خواهند ماند؟ از دولت ما، افزون از عدالت و داد انتظار نداشته باشید. حق کلمه‌ای گرانها و سنگین است و هر قدر تلخ و زنده باشد به نتیجه شیرین و دلپذیر می‌رسد. حق در نظر رادمردان از فضای آسمان و زمین وسیع‌تر است ولی چشمان ناپاک و کوتاه بین آنها را مانند سوراخ سوزن تنگ و باریک می‌بیند. حق، در عالم اندیشه و خیال مانند آب زلال، صاف و سهل است ولی وای بر آن روز که به مرحله عمل قدم گذارد، چقدر دشوار و سخت ایفا می‌شود.

### عزت ملت

پاک دل و پاکیزه جانید، قلبی حساس و عشقی شعله‌ور دارید، اما اظهار آن را در حضور کسی که همچون خودتان است بلکه وظیفه پاسداری و پرستاری شما را برگردن دارد، هرگز قبول ندارم. این احساسات را که به کرنش و تملق شبیه‌تر است و برای وظیفه پیشوایی موقعیتی فوق‌العاده قائل می‌شود و خودشناسی را بر حاکم مشتبه ساخته، به خودپرستی و غرور سوقش می‌دهد، من نمی‌پذیرم.

شما مطابق قانون خویش و آنچه‌ان که خسروان ایران میان رعیت نسبت گذاشته‌اند، در ملت آزاد و با اراده اسلام می‌خواهید از چون منی که سربازی بیش نیستیم، پیشواز کنید و چنین زحمت استقبال و احترام را بر خود تحمیل کرده، نیمروزی به انتظار امام امت روی پای، در حرارت خورشید معطل و معذب بمانید.

علاوه بر آنکه پروردگار متعال از این عمل راضی نیست و در نظر امیرالمومنین هم سخت ناپسند و مکروه است، بدانید که جز احرار و اشراف بدین ننگ تن در نمی‌دهند و جز خداوند بزرگ احدی را شایسته پرستش و نیایش نمی‌دانند. خسروان شما، در آن روز که آیین نامبارک طبقاتی را در ایران گذاشتند و گروهی پیاده را در رکاب خویش می‌دوانیدند و بر مقام موهوم خود مغرور و خیره سرتکیه می‌داشتند، هرگز باور نمی‌کردند که روزی آن به سر خواهد رسید و آن تخت عاج و کرسی طلا که برپایه‌ای هم وزن خیال قرار دارد واژگون خواهد شد و هم نخستین خودپرستان را در مذلتگاه نکبت‌بار نیستی فرو خواهد انداخت و سپس کشوری را نابود خواهد کرد.

جامعه‌ای که حاکم را بپرستد، خدای را نخواهد پرستید و بر اراده و عزم خود ارزش نخواهد گذاشت، همچون گوسپندانی ذلیل و زبون، کورکورانه به دنبال چوپان خواهد رفت و شبان بی‌خرد را هم به غرور و اشتباه خواهد انداخت و سرانجام طعمه گرگ خونخوار خواهد شد و از ذروه شرافت و حیات با سر سقوط خواهد کرد. در این کردار ناشایست 2 گوه‌ر گرانها به رایگان از دست می‌دهید که هدف موهوم شما لایق این سودای بهادار و عزیز نیست؛ نخستین، روح یگانه‌پرستی و اتکا به نفس را در شما خفه و خاموش خواهد کرد و بر مناعت ذات و عزت طبعتان شکستی غیرقابل مرمت وارد خواهد کرد و دیگری نعمت آسایش و راحت را از شما سلب و وقت گرانسنگ‌تان را ناچیز و بیهوده تلف خواهد کرد.

شما در این کار دشوار نتیجه‌ای می‌گیرید که ابلهان و تهی‌مغزان هم از آن می‌گیرند. فکر کنید آیا خردمند خشم خداوند را به قیمت مشقت و زحمت خویش خریدار است؟ آیا سزاوار است که رنج حاکم پرستی را در دنیا بر خود هموار کنید و در رستاخیز به جرم این

رذالت و پستی در آتش دوزخ فروافتید و با بت پرستان هم نشین و هم سایه باشید؟ ای مباد، آن محنت و مشقت که در این جهان تن را آزرده و روح را ننگین و خوار دارد و در آن جهان هم به کیفر طاقت فرسای خداوند و عذاب جاویدان منتهی شود.